

قاتل سارا برومند به میز محاکمه رسید

رئیس کل دادگستری خراسان رضوی از صدور کیفرخواست پرونده قتل سارا برومند، دختر ۲۷ ساله‌ای که چهارم آبان‌ماه در شهر گلبهار به قتل رسید، خبر داد. تحقیقات قضایی و انتظامی درباره این جنایت با شناسایی و دستگیری راننده تاکسی مظنون به قتل و کشف جسد مقتول به مرحله تکمیل رسید و پرونده پس از صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست برای رسیدگی به دادگاه ارسال شد.

به گزارش «جوان»، رضا زرندی گفت: چهارم آبان و همزمان با قتل سارا برومند تحقیقات در این‌باره به جریان افتاد و راننده تاکسی به اتهام قتل بازداشت شد. تحقیقات مقدماتی در کمتر از ۱۰ روز از آغاز رسیدگی قضایی تکمیل شد و پس از صدور قرار جلب به دادرسی، کیفرخواست پرونده صادر و برای ادامه رسیدگی و اتخاذ تصمیم قانونی به دادگاه ارسال شد.

راز ناپدید شدن سارا چگونه فاش شد؟

بر اساس این گزارش، سارا برومند چهارم آبان‌ماه پس از پیاده شدن از اتوبوس در شهر گلبهار سوار یک دستگاه تاکسی زردرنگ شد. او در آخرین تماس تلفنی با مادرش، حوالی ساعت ۲۱ همان شب، از بازگشت به خانه خبر داده‌بود، اما پس از آن دیگر خبری از او به دست نیامد. بررسی دوربین‌های مداربسته، بازبینی مسیرهای احتمالی تردد و تحقیق درباره آخرین تماس‌های مقتول، سرانجام سرنخ‌هایی از یک دستگاه تاکسی زردرنگ با شیشه‌های دودی در اختیار کارآگاهان قرار داد که متهم بازداشت شد.

اعتراف راننده تاکسی به شلیک با کلاشنیکف

متهم مدعی شد پس از سوار کردن سارا، از او خواسته است با همسر صیغه‌ای‌اش تماس بگیرد و برای آشتی میان آنها وساطت کند. به گفته متهم، وقتی زن جوان این درخواست را نپذیرفت، میان آنها درگیری لفظی شکل گرفت و او با برداشتن کلاشنیکف که زیر صندلی تاکسی پنهان کرده‌بود، به سمت مقتول شلیک کرد و جسد را به محدوده شهرک صنعتی چناران منتقل کرده و داخل یک حلقه چاه انداخته‌است. او سپس کیف، تلفن همراه و لپ‌تاپ مقتول را با خود برد و برای جلوگیری از شناسایی خودرو، تغییراتی در ظاهر تاکسی ایجاد کرد. با راهنمایی متهم، جسد سارا از داخل چاه خارج شد و بخشی از اموال متعلق به مقتول نیز در محل سکونت مادر متهم کشف شد. اکنون با تکمیل تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست، پرونده قتل سارا برومند برای رسیدگی قضایی به دادگاه ارسال شده‌است و ادامه روند دادرسی و تصمیم‌گیری درباره اتهامات متهم در صلاحیت مرجع قضایی خواهد بود.

قتل دختر و مادر به دست عاشق طلاها!



غلامرضا مسکنی

آشنایی در اینستاگرام با وعده عشق آغاز شد، اما به دو جنایت هولناک ختم شد. مرد جوان که برای سرقت طلاهای دختر ۴۰ ساله او را به قتل رسانده و جسدش را در بیابان‌های شهریار به آتش کشیده بود، وقتی با پیگیری‌های مادر مقتول برای پیدا کردن دخترش روبه‌رو شد، جنایت دوم را رقم زد و مادر را نیز در خانه‌اش خفه کرد تا راز قتل اول برای همیشه پنهان بماند. چند روز قبل، زن میانسالی با مراجعه به اداره پلیس تهران از ناپدید شدن ناگهانی دختر ۴۰ ساله‌اش به نام مهتاب شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «در یکی از خیابان‌های غرب تهران زندگی می‌کنیم و من و دخترم با هم زندگی می‌کنیم. صبح روز حادثه، مهتاب برای دیدن یکی از دوستانش از خانه خارج شد، اما دیگر برنگشت. هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم، پاسخ نداد تا اینکه گوشی‌اش خاموش شد. چند ساعت است از او خبری ندارم و نگرانم اتفاقی برایش افتاده باشد.»

با ثبت این شکایت، پرونده برای رسیدگی در اختیار کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های اولیه نشان داد مهتاب روز حادثه برای تفریح به اطراف تهران رفته و پس از آن به طرز مرموزی ناپدید شده است. در حالی که تحقیقات برای پیدا کردن ردی از دختر گمشده ادامه داشت، کارآگاهان با خبر تکان‌دهنده دیگری روبه‌رو شدند.

مرگ مشکوک مادر

مأموران باخبر شدند مادر مهتاب در خانه‌اش به طرز مشکوکی جان باخته است. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که همسایه‌ها با مشاهده وضعیت غیرعادی خانه، موضوع را به پلیس اطلاع داده‌اند. مأموران پس از ورود به خانه با جسد زن میانسال روبه‌رو شدند و دریافتند شیر گاز باز است.

در نخستین بررسی‌ها احتمال داده شد زن میانسال بر اثر گازگرفتگی جان باخته باشد، اما معاینات تخصصی و بررسی آثار روی بدن او، فرضیه دیگری را پیش روی تیم جنایی قرار داد. کارآگاهان با آثار کبودی روی گردن مقتول روبه‌رو شدند و پزشکی قانونی نیز در بررسی‌های اولیه اعلام کرد زن میانسال بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده‌است.

شواهد نشان می‌داد عامل جنایت پس از خفه کردن زن میانسال، برای منحرف کردن مسیر تحقیقات، شیر گاز را باز گذاشته تا مرگ او را ناشی از گازگرفتگی جلوه دهد. از سوی دیگر، با توجه به نحوه ورود قاتل و صحنه‌سازی پس از جنایت، این احتمال مطرح شد که عامل قتل از آشنایان خانواده باشد.

ردپای آشنای اینستاگرامی

هم‌زمان با کشف راز قتل زن میانسال، فرضیه ارتباط ناپدید شدن مهتاب با این جنایت قوت گرفت. کارآگاهان در جریان تحقیقات تخصصی دریافتند دختر ۴۰ ساله مدتی قبل در اینستاگرام با پسر جوانی به نام شهروز آشنا شده و با او ارتباط داشته‌است.

بررسی‌های بیشتر نشان داد مهتاب روز حادثه با مرد جوانی به نام شهروز تماس تلفنی داشته و قرار ملاقات گذاشته است. در ادامه، کارآگاهان با بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل زندگی مهتاب، به تصاویر مرد جوانی رسیدند که با ماسک وارد خانه مادر او شده و دقایقی بعد با عجله از ساختمان خارج می‌شود. هرچند مرد جوان تلاش کرده‌بود با پوشاندن صورتش هویت خود را پنهان کند، بررسی‌های فنی و اطلاعات به‌دست‌آمده از تحقیقات پلیسی نشان داد او شهروز، آشنای اینستاگرامی مهتاب است.

اعتراف به ۲ قتل

با شناسایی شهروز، دستور بازداشت او صادر شد و کارآگاهان پس از ردیابی‌های تخصصی، مخفیگاهش را در شهریار شناسایی کردند. سرانجام دیروز متهم دستگیر و برای تحقیق به اداره پلیس منتقل شد.

شهروز در ابتدا منکر هرگونه دخالت در ماجرا بود، اما وقتی با مدارک و شواهد پلیسی روبه‌رو شد، به ارتکاب دو جنایت اعتراف کرد. او در اعترافاتش مدعی شد دختر مورد علاقه‌اش را در شهریار و مادر او را در تهران به قتل رسانده است.

با توجه به اینکه نخستین جنایت در شهریار رخ داده‌است، متهم برای ادامه تحقیقات و روشن شدن انگیزه و جزئیات دو قتل در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی شهریار قرار گرفت.

آشنایی خونین در اینستاگرام

شهروز در جریان بازجویی‌ها اعتراف کرد که دختر مورد علاقه‌اش را با انگیزه سرقت طلاهایش به قتل رسانده است. او همچنین گفت وقتی متوجه شد مادر مهتاب به دنبال پیدا کردن دخترش است، تصمیم گرفت او را نیز به قتل برساند تا با از بین بردن تنها فردی که از ناپدید شدن مهتاب خبر داشت، ردی از جنایت‌هایش باقی نگذارد.

گفت‌وگو با متهم

خودت را معرفی کن؟

شهروز هستم.

چطور با مهتاب آشنا شدی؟

مدتی قبل در اینستاگرام با مهتاب آشنا شدم. به او ابراز علاقه کردم و او هم به من علاقه‌مند شد. بعد از آن از طریق پیامک و تماس تلفنی با هم ارتباط داشتیم.

چطور او را به خانه‌ات کشاندی؟

چند بار از او خواستم به خانه ما بیاید، اما قبول نمی‌کرد. آخرین بار با او برای رفتن به تفریح قرار گذاشتم. به او گفتم ابتدا به خانه‌مان بیاید تا با خودروی من به اطراف تهران برویم. این بار قبول کرد و به خانه‌مان آمد.

چرا او را به قتل رساندی؟

راستش ابتدا قصد کشتن او را نداشتم، اما وقتی وارد خانه شد، چشمم به طلاها و جواهراتی افتاد که همراهش بود. وسوسه شدم آنها را سرقت کنم و تصمیم گرفتم طلاهایش را بگیرم.

چطور نقشه قتل را اجرا کردی؟

هر چه فکر کردم راهی برای سرقت طلاها پیدا نکردم که شناسایی نشوم. در نهایت تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم. چاقویی برداشتم و به سمتش حمله کردم و او را کشتم.

بعد از قتل چه کردی؟

خیلی ترسیده بودم. جسد را داخل خودروی خودم گذاشتم و به بیابان‌های اطراف شهریار رفتم. آنجا جسد را آتش زدم تا اثری از جنایتم باقی نماند و کسی نتواند مرا شناسایی کند.

چرا تصمیم گرفتی مادر مهتاب را هم به قتل برسانی؟

از دور مادرش را زیر نظر داشتم و متوجه شدم هر روز به اداره پلیس می‌رود و پیگیر پیدا کردن دخترش است. با خودم فکر کردم تا وقتی مادر مهتاب زنده است، دست از جست‌وجو برنمی‌دارد و ممکن است با پیگیری‌هایش سرنخی از من به دست بیاورد. ترسیدم سرانجام راز قتل مهتاب فاش شود، به همین دلیل تصمیم گرفتم مادرش را هم از سر راه بردارم تا دیگر کسی پیگیر پرونده نباشد.

برای قتل مادرش هم نقشه کشیده بودی؟

بله. تصمیم گرفتم طوری وارد خانه شوم که شناسایی نشوم. صورتم را پوشاندم و به خانه آنها رفتم. مادر مهتاب را خفه کردم و برای صحنه‌سازی و گمراه کردن مأموران، شیر گاز را باز گذاشتم و فرار کردم. تصورم این بود که خانه آتش می‌گیرد و مرگ او را حادثه ناشی از آتش‌سوزی اعلام می‌کنند.

فکر می‌کردی با این صحنه‌سازی‌ها از دست پلیس فرار می‌کنی؟

بله، تصور می‌کردم با سوزاندن جسد مهتاب و صحنه‌سازی در خانه مادرش هیچ ردی از من باقی نمی‌ماند، اما اشتباه می‌کردم. مأموران خیلی زود سرنخ‌ها را پیدا کردند و دستم رو شد.

خبر

فرار پسر شیشه‌ای پس از قتل مادر

مرد ۲۲ ساله‌ای که به مصرف شیشه اعتیاد دارد، در جریان مشاجره با مادرش، او را با ضربه چاقو به قتل رساند و از خانه فرار کرد.

عصر یک‌شنبه ۲۴ آبان‌ماه، گزارش قتل زن ۴۵ ساله‌ای در جنوب تهران به پلیس اعلام شد. با حضور مأموران مشخص شد مقتول بر اثر ضربه چاقو جان باخته است. بررسی‌های کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی نشان داد پسر خانواده که سابقه اعتیاد به شیشه و بستری شدن در مراکز ترک اعتیاد را دارد، پس از مشاجره با مادرش به آشپزخانه رفته و با برداشتن چاقو به او حمله کرده‌است.

پس از فرار متهم، دختر هشت ساله که شاهد جنایت بود، با پدرش تماس گرفت و ماجرا را خبر داد. پدر خانواده با حضور در خانه و مشاهده پیکر خون‌آلود همسرش، پلیس و اورژانس را باخبر کرد، اما زن میانسال جان باخته بود.

بررسی‌ها نشان داد مقتول در حال دیکته گفتن به دختر هشت ساله‌اش بوده که با دخترش به خاطر خط بدش مشاجره می‌کند و پسرش در حمایت از خواهرش، او را به قتل می‌رساند. در حال حاضر کارآگاهان پلیس آگاهی تلاش برای شناسایی مخفیگاه و دستگیری پسر فراری را ادامه می‌دهند.

چه کسی از سحر خبر دارد؟

با گذشت دو هفته از ناپدید شدن سحر جلیلی، دختر ۲۷ ساله ساکن محله نبرد تهران، تلاش خانواده و کارآگاهان پلیس برای یافتن سرنخی از محل حضور او همچنان ادامه دارد.



سحر جلیلی که در برخی گزارش‌ها با نام فریما نیز معرفی شده‌است، دو هفته قبل با پوشیدن مانتوی سرمه‌ای از خانه خارج شد تا برای خرید بیرون برود، اما دیگر به منزل بازنگشت. با بی‌نتیجه ماندن جست‌وجوهای اولیه، خانواده این دختر جوان با انتشار اطلاعیه فقدان و نصب آگهی در محدوده محل سکونت، از شهروندان برای یافتن او کمک خواستند. در ادامه پیگیری‌ها، محدوده‌ای که احتمال می‌رفت سحر برای سوار شدن به تاکسی به آن مراجعه کرده‌باشد، مورد بررسی قرار گرفت. تصاویر دوربین‌های مداربسته اطراف با همکاری کسبه محل بازبینی شد، اما بررسی‌ها تاکنون به سرنخ قطعی منجر نشده است. با طرح شکایت خانواده وی در دادسرای امور جنایی، پرونده در اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ در جریان است.

یاد نخبه جوان با کمک به آزادی زندانی زنده ماند

زوج فرهنگی برای زنده نگهداشتن یاد نخبه خانواده، با حضور در ستاد دیه استان تهران بخشی از بدهی یک زندانی را پرداخت کردند.

یک زن که دبیر بازنشسته است، همراه همسرش که او نیز استاد دانشگاه است، به ستاد دیه استان تهران آمد تا در اقدامی خیرخواهانه، زمینه آزادی یک زندانی را فراهم کند. او درباره انگیزه این اقدام گفت خواهرزاده‌اش از نخبگان بود، اما تنها دو ماه پس از ابتلا به بیماری از دنیا رفت. پس از این اتفاق، اعضای خانواده دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند برای زنده نگه‌داشتن یاد او، به آزادی زندانیان کمک کنند. این تصمیم در نخستین گام با پرداخت ۴۰ میلیون تومان عملی شد، مبلغی که بخشی از بدهی یک زندانی را تأمین کرد و او را یک قدم به آزادی نزدیک‌تر ساخت. شوهر این زن درباره نگاهش به کمک به دیگران گفت: «انسان‌ها باید دست به دست هم بدهند تا دنیا محلی برای زندگی بهتر باشد. اگر می‌توانیم به انسان دیگری کمک کنیم، نباید دریغ کنیم.» عباس کشانی، رئیس ستاد دیه استان تهران، با قدردانی از این زوج فرهیخته و خانواده آنها، همراهی مردم در آزادی زندانیان جرائم غیرعمد را اقدامی ارزشمند دانست و بر نقش مشارکت‌های مردمی در بازگشت زندانیان به آغوش خانواده تأکید کرد.

قتل شوهر با قرص برنج

آرمین بینا

زن جوان که برای رسیدن به مرد مورد علاقه‌اش، شوهرش را مانع ازدواج مجدد خود می‌دید، نقشه قتل او را با قرص برنج طراحی کرد. متهم با خالی کردن محتویات کپسول لاغری شوهرش و جایگزین کردن آن با سم مرگبار، جنایت را رقم زد و سپس تلاش کرد مرگ او را خودکشی جلوه دهد، اما شکایت خانواده مقتول و تحقیقات پلیسی، راز این جنایت را پس از شش ماه فاش کرد.

اوایل اردیبهشت‌ماه امسال، کارکنان یکی از بیمارستان‌های شرق تهران با اعلام مرگ مشکوک مرد جوانی به نام بهرام، مأموران پلیس را در جریان قرار دادند.

با حضور مأموران در بیمارستان مشخص شد دقایقی قبل، زن جوانی با اورژانس تماس گرفته و از بدحالی شوهرش خبر داده‌است. عوامل اورژانس پس از حضور در محل، بهرام را که نیمه‌جان روی زمین افتاده بود، برای درمان به بیمارستان منتقل کردند، اما او پیش از رسیدن به مرکز درمانی جان باخت.

همسر بهرام در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «وقتی از محل کارم به خانه برگشتم، دیدم شوهرم بدحال روی زمین افتاده‌است. بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم و از آنها کمک خواستم، اما تلاش پزشکان برای نجات جان او نتیجه نداد.»

با توجه به اینکه مرد جوان سابقه بیماری نداشت و علت مرگش مشخص نبود، جسد با دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران به پزشکی قانونی منتقل شد تا علت اصلی مرگ مشخص شود.

راز قرص برنج

تحقیقات درباره مرگ مشکوک بهرام ادامه داشت تا اینکه پزشکی قانونی پس از انجام آزمایش‌های لازم اعلام کرد مرد جوان بر اثر مسمومیت ناشی از مصرف قرص برنج جان باخته‌است.

پس از اعلام نتیجه پزشکی قانونی، مأموران بار دیگر از همسر مقتول تحقیق کردند. زن جوان این‌بار مدعی شد شوهرش مدتی با مشکلات مالی روبه‌رو بوده و به همین دلیل دچار افسردگی شده‌است. او همچنین گفت بهرام بارها از زندگی گله می‌کرد و می‌گفت سرانجام به زندگی‌اش پایان خواهد داد. به همین دلیل احتمال می‌دهد شوهرش با خوردن قرص برنج خودکشی کرده‌باشد.

در حالی که زن جوان تلاش داشت مرگ شوهرش را خودکشی جلوه دهد، اعضای خانواده بهرام با مراجعه به اداره پلیس از عروس‌شان به اتهام قتل شکایت کردند.

یکی از اعضای خانواده مقتول در توضیح شکایت خود گفت: «پسرم فردی معتقد و مذهبی بود و به مسائل دینی اعتقاد زیادی داشت. او اصلاً اهل خودکشی نبود. ادعای همسرش درباره افسردگی و مشکلات روحی او دروغ است. بهرام همیشه سرحال و تنها مشکلش اختلاف با همسرش بود. حتی شنیده بودیم که عروس ما قصد جدایی از او را دارد. ما اطمینان داریم پریا به او قرص برنج خورانده و به قتل رسانده‌است.»

با ثبت این شکایت، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و بازپرس جنایی دستور داد کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات تخصصی خود را آغاز کنند.

رابطه پنهانی با مرد جوان

بررسی‌های کارآگاهان نشان داد بهرام و همسرش هر دو تحصیلات دانشگاهی تا مقطع کارشناسی ارشد داشتند و در یکی از بیمارستان‌های تهران مشغول به کار بودند. پریا مدیریت بخش مدارک پزشکی بیمارستان را برعهده داشت، اما از مدتی قبل اختلافات آنها شدت گرفته‌بود.

کارآگاهان در نخستین مرحله، پریا را برای تحقیق به اداره آگاهی احضار کردند. او در جریان بازجویی‌ها با طرح ادعاهای ضدونقیض، هرگونه دخالت در مرگ شوهرش را انکار کرد، اما تحقیقات بیشتر نشان داد زن جوان از مدتی قبل با پسر جوانی ارتباط پنهانی دارد.

این سرنخ، ظن کارآگاهان را نسبت به نقش پریا در مرگ همسرش تقویت کرد و بازجویی‌های تخصصی از او ادامه یافت تا اینکه متهم سرانجام پس از شش ماه به قتل شوهرش اعتراف کرد.

قتل با کپسول لاغری

پریا پس از اعتراف به قتل درباره انگیزه و نحوه اجرای نقشه‌اش گفت: «من و شوهرم هر دو تحصیلکرده بودیم و در یک بیمارستان کار می‌کردیم. هر کدام مدیریت بخشی از بیمارستان را برعهده داشتیم. زندگی‌مان در ابتدا خوب بود و تصور نمی‌کردم روزی با هم به مشکل بخوریم، اما از چند سال قبل متوجه شدم تفاهمی با هم نداریم. بهرام مرد بی‌تفاوتی بود و توجهی به من و احساساتم نداشت. بیشتر وقتش را صرف کارش می‌کرد و همین موضوع باعث شد به‌تدریج از هم دور شویم.

اختلافاتمان روزبه‌روز بیشتر شد و تقریباً همیشه با هم درگیری و مشاجره داشتیم. دیگر از زندگی مشترکمان لذتی نمی‌بردم و تصمیم گرفتم از او جدا شوم، اما خانواده‌ام با طلاق مخالف بودند. آنها تعصب زیادی داشتند و معتقد بودند اگر دخترشان طلاق بگیرد، آبروی خانواده می‌رود. به همین دلیل از تصمیمم منصرف شدم.

تا اینکه مدتی قبل در یک میهمانی خانوادگی با پسر جوان مجردی آشنا شدم. او برخلاف شوهرم به من توجه و احساساتم را درک می‌کرد. کم‌کم به او علاقه‌مند شدم و دلبستگی‌ام بیشتر شد تا جایی که تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم، اما بهرام مانع این تصمیم بود. از طرفی نمی‌توانستم طلاق بگیرم، چون نگران آبروی خانواده‌ام بودم. به همین دلیل تصمیم گرفتم شوهرم را از سر راهم بردارم.»

متهم در ادامه درباره نحوه قتل گفت: «شوهرم اضافه‌وزن داشت و برای لاغری از کپسول‌های حاوی زیره استفاده می‌کرد. تصمیم گرفتم او را با سم مسموم کنم. به همین خاطر قرص برنج خریدم و روز حادثه محتویات یکی از کپسول‌های لاغری را خالی کردم و قرص برنج را داخل آن ریختم. می‌دانستم صبح وقتی از خواب بیدار شود، کپسول را مصرف می‌کند. بعد از آن از خانه خارج شدم و به محل کارم رفتم.

عصر که به خانه برگشتم، با دیدن وضعیت شوهرم صحنه‌سازی کردم و با اورژانس تماس گرفتم تا مرگ او طبیعی یا ناشی از خودکشی به نظر برسد. بعد هم ادعا کردم که به دلیل مشکلات مالی و افسردگی دست به خودکشی زده‌است، اما در نهایت راز قتل فاش شد و دستگیر شدم.»

با اعتراف متهم به قتل، او برای ادامه تحقیقات و روشن شدن جزئیات بیشتر پرونده در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان کوهدشت-سری (۷۳۸) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی کوهدشت مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول :(۱۴۰۵/۰۸/۱۱) نوبت دوم:(۱۴۰۵/۰۸/۲۶)

۱- تقاضای «امیر عزتی سبزه خانی» فرزند «محمود» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه عمارت» بمساحت «۱۴۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۵۸» فرعی از «۶۵» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم رشیدیان و امیر عزتی»

۲- تقاضای «سردار تیموری» فرزند «امیدبک» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۷۱۶۷,۹۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «امیر تیموری»

۳- تقاضای «خیراله مرادی» فرزند «ولدبک» نسبت به «۲ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۶۱۸۶,۲۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ولدبیگ مرادی»

۴- تقاضای «بهمن مرادی» فرزند «ولدبگ» نسبت به «۲ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۶۱۸۶,۲۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ولدبیگ مرادی»

۵- تقاضای «حسین کوشکی» فرزند «شه میر» نسبت به «۲ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۱۱۸۸۵,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۷۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «پیرمراد کوشکی»

۶- تقاضای «حسن رضا کوشکی» فرزند «شه میر» نسبت به «۲ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۱۱۸۸۵,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۷۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «پیرمراد کوشکی»

۷- تقاضای «فتح اله مرادی» فرزند «ولدبگ» نسبت به «۲ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۸۷۸۰,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ولدبیگ مرادی»

۸- تقاضای «محمدرضا کوشکی» فرزند «شه میر» نسبت به «۲ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۱۱۸۸۵,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۷۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «پیرمراد کوشکی»

۹- تقاضای «بهمن مرادی» فرزند «ولدبگ» نسبت به «۲ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۸۷۸۰,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ولدبیگ مرادی»

۱۰- تقاضای «خیراله مرادی» فرزند «ولدبگ» نسبت به «۲ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی» بمساحت «۸۷۸۰,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ولدبیگ مرادی»

هوشنگ اسکندرنیا

رییس اداره ثبت اسناد واملاک کوهدشت

شناسه آگهی:۲۳۱۵۰۸۷